

حریم خصوصی در فرهنگ اسلامی و اندیشه انسانی

عبدالرضا باقی¹

چکیده

یکی از مسائلی که با ابعاد دینی (ایمان، اخلاق، عمل)، قانونی، حقوقی، سیاسی، اخلاق شهروندی، ابعاد روانشناختی و جامعه شناختی و مردم شناختی و مدیریتی و... سخت در هم تنیده است مسئله ی حوزه و حریم زندگی خصوصی است. حوزه ای که کمتر پیرامون آن تحلیل و بررسی صورت گرفته است و کمتر به بررسی تعریف و تبیین معیارها و مصادیق آن پرداخته شده است، اگرچه شناخت این حوزه، چنانکه بایسته و شایسته است کاری صعب و دشوار است اما غیر ممکن نیست. در این نوشته سعی شده است ضمن اشاره به صعوبت تعریف و تعیین ملاک های این حریم، جلوه های آن در آیینه آیات و روایات مورد کاوش و بررسی قرار گیرد و در ادامه به حدود و ثغور حریم خصوصی و برخی مولفه ها و مصادیق آن در متون حقوقی و قانونی اشاره شده و پس از تعریف این حریم، پرده از تفاوت حریم و حقوق خصوصی برداشته شده است این نوشتار در پایان با یک جمع بندی و نتیجه گیری ده بندی به اتمام رسیده است.

واژگان کلیدی: حقوق، قانون، خصوصی، عمومی حریم، معروف، منکر.

1- مقدمه و طرح مسأله:

یکی از موضوعاتی که با اصل اصیل امر به معروف و نهی از منکر در هم تنیده است، موضوع حریم خصوصی و عمومی است. آزادی عمل افراد، در حوزه عمومی با اصل امر به معروف و نهی از منکر تقیید و تحدید می شود. کلیه محرمات و واجبات ظاهری داخل در قلمرو این اصل است.

اگر اجرای این اصل بدست افراد یا احزاب یا گروههای، سطح اندیش و قشری نگر و بی تعمق بیفتد؛ چه بسا به حربه ای تبدیل شود برای ورود و دخالت به حوزه زندگی خصوصی مردم؛ از اینرو ضروری است در عین اینکه در جوانب آن اصل دینی پیوسته تدقیق و تحقیق می شود، موضوع حریم خصوصی و عمومی نیز از حیث تعریف، قلمرو، معیارها، مصادیق امروزی آن و... مورد بحث و فحوص جدی و جدید قرار گیرد.

این نوشتار در پی آنست که با تکیه بر متون اسلامی و دستاوردهای اندیشه بشری که در این قلمرو در قالب مواد حقوقی و قانونی تدوین و تنظیم شده است، به بررسی موارد زیر بپردازد:

1- تفکیک قلمرو معروف و منکر از قلمرو امر به معروف و نهی از منکر 2- بررسی تفاوت و شرایط حریم خصوصی و عمومی با حقوق خصوصی و عمومی 4- فرق نهادن میان حریم خصوصی فرد و خانواده 5- تعیین حوزه های حریم خصوصی.

2- صعوبت شناخت حریم خصوصی:

¹ - مدرس و مدیر مرکز معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

در عین اینکه، ملموس ترین و پرکاربردترین حقوق هر فرد، حق حریم خصوصی است اما از میان تمام موارد حقوق انسانی، تعریف و تهدید قلمرو و حریم زندگی خصوصی از بقیه پیچیده تر و دشوارتر است. از یکسو هر گونه تعریفی در اینجا بستگی به فرهنگ و زمینه و محیطی دارد که در آن عمل می شود و دانستن چند و چون حریم خصوصی با ارزشها و فرهنگها و بسترها در هم تنیده است از اینرو چه بسا تلقی افراد نسبت به تعریف یا معیارها یا تعیین مصادیق در زمان و زمینه و فرهنگ و جغرافیایی با دیگری متفاوت باشد. از دیگر سو غالب مفاهیمی که در این حوزه دارای بسامد بالایی است مفاهیم انتزاعی است؛ مفاهیمی مانند: آزادی، استقلال، عورت و حیثیت، حرمت و... تلقی ها و تفسیرهای این مفاهیم نیز از رنگ و آهنگ واحدی برخوردار نیست، از اینرو شناخت این حریم خالی از صعوبت نمی باشد؛ مثلاً ممکن است کسی افشای یک سوء استفاده مالی یا علمی یا فساد اخلاقی را مصداق هتک حرمت و حیثیت بداند و دیگری نداند، حال برای خروج از این صعوبت و پدیده بن بست نما چه باید کرد؟ به نظر می رسد شاید بتوان با مراجعه به داده های دینی و بشری (روانی و اجتماعی) و عقل جمعی (که مواد حقوقی و قانونی عام محصول آنست) اندکی از غبار و ابهامی که فضای شناخت این حوزه را از ابعاد گوناگون مکدر نموده است کاست.

3- حریم خصوصی در متون اسلامی:

در این قسمت ابتدا به ارایه و تحلیل آیات مربوطه پرداخته می شود سپس موضوع را در آئینه روایات مورد تأمل و توجه قرار می دهیم.

الف) حریم خصوصی در آیات قرآنی: آیات مرتبط با حریم خصوصی را می توان طی شش گام طرح و مورد فحص و بحث قرار داد.

گام اول: در آیات قرآنی اصل بر این است که معروف و منکر ماهیتاً در حریم خصوصی و عمومی، معروف و منکر است خواه این معروف منکر معرفتی باشد یا ارزشی یا رفتاری و سزا و بجاست که انسان همیشه و همه جا، عامل به معروف و تارک از منکر باشد؛ از همین روست که در قرآن گناه، خواه در خلوت انجام شود یا جلوت، معصیت است و مورد نفرت. در قرآن می خوانیم.

«... و لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن. . (انعام: 151)»

یا در جای دیگر می خوانیم:

«قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم و البغی بغیر الحق. .» (اعراف: 32)

از کنار هم نهادن این دو آیه در می یابیم: خداوند فواحش را در خلوت و جلوت تحریم نموده است پس باید از نزدیکی بدانها همیشه و همه جا دوری جست. فواحش در نگاه قرآن گناهانی است که حد اعلای زشتی را داشته باشد و همین زشتی شدید آنهاست که باعث انحطاط و سقوط انسان است (اثم) افتادن در این مسیر باعث می

شود انسان در جستجو و طلب چیزی برآید که حق جستجو و طلب آن را ندارد (بغی) (طباطبائی، 1366، ج 8/118؛ همو، ج 7/572)

آیا نقض حریم خصوصی انسانها بدون هیچ مجوز قانونی یا شرعی مصداق بغی نیست و آیا بغی منجر به سقوط و انحطاط انسان و افتادن در وادی «اثم» نمی شود؟

از منظر قرآن هر کس به هر دلیلی (جهل، غفلت، ضعف نفس، ضعف ایمان و... در خلوت خود مرتکب منکری شد (که نباید می شد) و تارک معروفی شد (که نباید می شد) تا مادامی که ظلم در قلمرو ظلم به نفس است و به حریم حق الناس این ظلم تسری نیافته است و خود فرد نیز در مقام افشاء بر نیامده است، نه کسی حق مداخله دارد و نه عامل موظف است که پرده از عمل خود بردارد.

گام دوم: در این گام قرآن، پوهیز از ظن و گمان را به انسان با ایمان توصیه می کند و می فرماید:

« یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم . . » (حجرات / 12)

ظن نوعی ادراک نفسانی است و ورودش به دل و جان آدمی، امری غیر اختیاری است؛ اما ترتیب اثر دادن به ظن و زمینه ظهور و بروز آن را فراهم نمودن، امری اختیاری است؛ پس باید از تمهید مقدماتی که ظن را بر جان می نشاند و دل را به آن می آلود پرهیز نمود زیرا چنین ظنی، بستر ساز ورود انسان به مرحله دیگری به نام «تجسس» است.

گام سوم: قرآن پس از نهی نمودن از «ظن سوء» هشدار می دهد که ورود به این وادی، انسان را به تجسس در امور پنهان مردم و او می دارد از اینرو می فرماید:

« ولا تجسسوا . . » (حجرات / 12)

تجسس یعنی پی گیری و تفحص از اموری که مردم خواهان پنهان ماندن آنها هستند. در این پی گیری، جاسوس به دنبال خبرگیری و شناختن باطن افراد و آگاه شدن از چیزی است که مردم سعی در کتمان آن دارند. چنین خبرگیری از مصادیق عیب جویی است و قرآن به شدت ما را از دنبال نمودن، عیب و زشتی دیگران باز می دارد و گوشزد می کند «مومن اهل تجسس نیست» و آنکه اهل چنین تجسسی هایی است مومن نیست. تجسس خواه با سرک کشیدن به زندگی خصوصی افراد باشد (به هر شکلی) یا به صورت فال گوش ایستادن و استراق سمع باشد (به هر شکلی) قرآن آن را یک عمل شیطانی می داند و می فرماید:

« و لقد جعلنا فی السماء بروجاً و زینها للناظرین و حفظنها من کل شیطان رجیم الا من استرق السمع فاتبعه شهاب مبین » (حجر 18-

مشابه این آیات را در جای دیگر چنین می خوانیم:

« . . الا من خطف الخطفه فاتبعه شهاب ثاقب » (صافات / 10)

«مگر کسی که (از سخن بالائیان) یکباره استراق سمع کند که شهابی شکافنده از پی او می تازد»

رابطه میان تجسس و استراق سمع اینگونه است که هر استراق سمعی، تجسس هست اما هر تجسسی، استراق سمع نیست. به عبارت دیگر استراق سمع یکی از مصادیق تجسس است.

گام چهارم: بدنبال نهی از تجسس باز در ادامه آیه می خوانیم.

« و لا یغتب بعضکم بعضا. » (حجرات/12)

در این قسمت از آیه، نهی از غیبت شده است؛ خواه غیبت را به این معنا بگیریم که، انسان در غیاب کسی، عیبی از او بگوید که حکمت و وجدان بیدار آن را بر نمی تابد یا غیبت را به این معنا بگیریم که «در غیاب کسی چیزی گفته شود که اگر بشنود ناراحت گردد» در هر صورت درارتباط با سه واژه ای که ذکر شد یعنی ظن، تجسس و غیبت توجه به چند نکته لازم است:

1- غیبت مسبوق به تجسس است و تجسس بر زمین ظن و گمان می روید:

ظن سوء ← تجسس ← غیبت

2- باید از هر گونه زمینه و بستری که باعث می شود که ذهن و جان و دل به کدورت ظن سوء مکدر شود پرهیز نمود.

3- از منظر قرآن، ظن سوء و تجسس و غیبت از مصادیق بارز منکر بوده و ارتباط و اعتماد، موانست و امنیت، روحیه تعاون و معاضدت را از بین می برد. نشاط را می زداید و برودت و سردی می آورد.

4- هر سه از مصادیق، عیب جوئی است با این توضیح که ظن سوء زمین فاسدی است که زمینه رشد و رویش تجسس و غیبت را فراهم می کند و عیب جو را به این سمت و سو می برد تا، عیبی را که فرد می خواهد پوشیده دارد بر ملا سازد با این تفاوت که، در تجسس، فرد خواهان آنست تا عیب طرف را بر خود آشکار کند و در پی آنست که خود سر از کار و راز دیگران در بیاورد اما در غیبت فرد بدنبال افشاء عیب برای دیگران است. (طباطبائی،

1366: 510-514/18)

به نظر می رسد در اینجا میان متجسس و غیب کننده از حیث منطقی عموم و خصوص من وجه بر قرار است یعنی برخی جاسوسان غیبت کننده نیز هستند، همچنانکه برخی غیبت کنندگان متجسس نیز می باشد اما امکان دارد کسی عیبی را جستجو کند اما بر ملاسازد و ممکن است کسی عیبی را بر ملاسازد اما عیب را از دیگران شنیده باشد و جستجوگر اصلی و آغازین عیب دیگران، خودش نباشد در هر صورت قرآن یکجا و فی الجمله به متجسس و غیبت کننده هشدار می دهد که:

« ایحب احدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً فکرمتهوه و اتقواالله ان الله تواب رحیم » (حجرات/12)

5- بر اساس آنچه بیان شد نتیجه می گیریم ورود غیر مجاز به حریم زندگی خصوصی و خانوادگی دیگران، با بدگمانی آغاز می شود (ظن سوء) و فرد بدگمان تلاش می کند از عیب پنهان دیگران آگاه شود (تجسس) و سرانجام این عیب را برای دیگران بیان کند و دید و نگاه آنها را نیز نسبت به آن فرد، آلوده و تخریب کند (غیبت)

در این میان آنچه مایه تأسف است این است که شخصیت و اعتبار اجتماعی فردی که هدف تیربلا قرار گرفته و حیثیت او در حال مخدوش شدن است چون از این موضوع بی خبر است قدرت دفاع ندارد.

موقعیت و وضعیت انسانی که از نظر حیثیت و هویت و اعتبار اجتماعی، به مرحله ای برسد که بر اثر غیبت دیگران از او، مورد نفرت و بی زاری قرار گیرد و نزد دیگران، انسانی پلید، غیر قابل اعتماد و اطمینان تلقی شود از منظر قرآن چنین انسانی مانند مرده است. همانگونه که از انسان مرده اگر تکه ای گوشت جدا شود، جای این تکه پر نمی شود و خلاء آن در بدن او برای همیشه می ماند انسانی نیز که حیثیت و اعتبار او در قربانگاه غیبت ذبح گردد چه بسا هیچگاه این آسیب شخصیتی و اجتماعی برای او قابل ترمیم و اصلاح نباشد.

6- غیبت پرده ای را که خداوند بر عیوب بندگان انداخته، کنار می زند؛ در حالیکه این پرده پوشی، یک حکم فطری است و به واسطه آن انسان می تواند تن به زندگی اجتماعی بدهد. اگر پرده پوشی خدا نباشد با توجه به اینکه هیچ کس منزله از تمام عیوب نیست براین اساس هرگز اجتماعی شکل نمی گیرد. و کنترل بر زندگی از کف انسان ربوده می شود، بر ملا شدن برخی رازها و اسرار زندگی خصوصی، فرد را در جامعه سرافکننده و خجل می سازد. شخصیت و حیثیت او را مقلوب و مغلوب می نماید و انسانی که به این درجه و مرحله در جامعه می رسد آن بازدهی و کار آمدی را ندارد و همین باعث می شود زندگی اجتماعی او از نشاط و پویایی و ارتقاء ساقط شود و نوعی طلاق روانی را در جامعه ساری و جاری سازد.

گام پنجم: با توجه به موارد قبل است که در آیات دیگر، سرانجام و فرجام افشاء و اشاعه گناه، عذابی دردناک معرفی شده است و انسانها از آن منع شده اند زیرا اشاعه گناه و فحشا قبح آن را از بین می برد، انجام گناه را آسان می کند و اگر پیش از اشاعه، عیب یا گناه یا فحشا در حریم و محدوده ای کوچکی انجام شده است اشاعه باعث آگاهی عموم می شود از این رو قرآن می فرماید:

« ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره و الله یعلم و انتم لا تعلمون » (نور/19)

پی آورد اشاعه گناه (خصوصاً عیوب پنهان) هم عذاب و زیان دنیوی است هم عذاب اخروی و انسان خردمند حاضر نیست با اشاعه گناه در یک جامعه ایمانی فضای جامعه را به فضای عدم اطمینان و اعتماد و ورودت در روابط مبدل کند.

گام ششم: با توجه به اصول و مبانی فوق است که قرآن از یکسو در راستای تکریم و تعظیم حریم و حقوق خصوصی افراد و برای حفظ حرمت ایمان و مستور ماندن عورات مردم و از سوی دیگر برای استحکام اخوت و ترویج و تثبیت الفت و تشدید روحیه همکاری و تعاون در جامعه، بر اظهار جمیل و ستر قبیح مؤمنان تأکید همراه با تصریح دارد و انسانها مومن را به توجه به موارد ذیل فرا می خواند:

1- ورود به خانه های مردم بدون اطلاع دهی قبلی ممنوع است: قرآن در این زمینه می فرماید:

« یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتکم غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلّموا علی اهلها » (نور /27)

در این آیه اولاً خانه های مردم را حریم خصوصی و حوزه راحت و استراحت و امنیت ایشان معرفی می کند.

ثانیاً دستور می دهد برای استیناس و الفت گرفتن با صاحب خانه و آرام یافتن قلب، بدون اطلاع نباید به خانه هیچ کس داخل شد، چه بسا در وضعیتی است که راضی نیست کسی به خانه او در آید یا از وضعیت او آگاه گردد.

2- ورود به خانه های خالی مردم نیز بدون اذن آنها ممنوع است: قرآن دستور می دهد اگر می دانید که کسی در آن خانه ها نیست تا زمانیکه صاحب خانه به شما اذن ورود نداده است حق داخل شدن ندارید تا عورات و اسرار مردم پنهان بماند. قرآن می فرماید:

فان لم تجدوا فيها احداً فلا تدخلوا حتی یؤذن لکم» (نور / 28)

3- تا صاحب خانه اجازه ندهد ورود به خانه او ممنوع است: اگر صاحب خانه در خانه حضور داشت اما آمادگی پذیرش شما را نداشت و به شما بگوید برگرد و به خانه من داخل مشو فرد حق ورود ندارد، توجه به این نکته برای حفظ حرمت و عزت نفس شخص بهتر است.

« و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هوازکی لکم» (نور / 28)

4- ورود به اماکن غیر مسکونی و عمومی مجاز است: ورود به خانه هایی که غیر مسکونی است یا جایی است که برای استفاده عموم بنا شده است و کسی در چنین جاهایی سکونت طبیعی ندارد مجاز است. جاهایی مانند: کاروان سراها یا حمامها یا تیمچه ها و بازارها و...

5- در هر ورودی باید دل و دیده حفظ شود: قرآن در ادامه انسانهای مؤمن را به حفظ دل و دیده فرا می خواند؛ اگر چه به زنان نیز دستور می دهد فروج و مواضع زینت خود را که بعد خصوصی دارد در معرض دید عموم قرار ندهند و دل و دیده ها را به حریم زندگی خصوصی خویش نکشانند زیرا هر اظهار نابجا و نا به هنگام جمال و زینت، می تواند حقی از صاحبان حقوق را بشکند (نور / 31)

6- ورود فرزندان در زمانهایی مشخص به حریم والدین ممنوع است: در آیه 58 سوره نور صریحاً سه زمان را برای والدین و اهل خانه مشخص می کند که در این سه زمان هیچ کس مجاز نیست بدون اجازه به حریم خصوصی اهل خانه وارد شود خواه غلام و کنیز باشد یا فرزند.

این نهی از ورود به قلمرو خصوصی افراد نیست مگر برای جلوگیری از اشاعه گناه و انحراف و لغزش، جلوگیری از بر ملا شدن عورات و اسرار و عیوب، حفظ حیثیت و حرمت و عزت و کرامت و شخصیت انسانها، جلوگیری از بلوغ زودرس فرزندان، از بین نرفتن حس اعتماد و روحیه الفت و اخوت میان انسانها، جلوگیری از افتادن انسانها در دام نفاق و دو رویی و خود سانسوری و فاصله نگرفتن از خود واقعی، داشتن خلوتی آرام و مطمئن، برخورداری افراد از آزادی بیشتر در حریم خصوصی خویش، همه از پی آمدها و پی آوردهای پاس داشتن این حریم است.

ب) حریم خصوصی در روایات:

بررسی روایات در این باب، پرده از همسویی آنها با قرآن بر می دارد، در اینجا به برخی از روایات یا قطعات تاریخی در این راستا اشاره می شود.

1- ممنوعیت نگاه دزدانه: از سهل بن سعد روایت شده است «مردی سرزده وارد یکی از اتاقهای رسول خدا شد، رسول خدا در حال شانه کردن سر خود بود (به او) فرمود: اگر من بدانم که تو نگاه می کردی همان شانه را به دو چشمت می کوبیدم اینطور استیذان کردن همان نگاه کردن و حرام است» (طباطبائی، 1366: 162/15)

2- استیذان نمودن حتی هنگام ورود به اتاق والدین: روایت شده که مردی از رسول خدا پرسید آیا از مادرم هم هنگام ورود اذن بخواهم فرمود آری؛ گفت: آخر او غیر من خادمی ندارد باز هر وقت بر او وارد شوم استیذان کنم فرمود: آیا دوست داری او را برهنه ببینی؟ مرد گفت: نه؛ حضرت فرمود: پس استیذان کن (همان). این روایت نیز حاکی از آنست که فرزندان در هر سنی که باشند مجاز نیستند بدون کسب اذن از والدین، به حریم خصوصی ایشان در آیند و این استیذان برای حفظ حرمت والدین و حفظ سلامت اخلاقی فرزندان و برقرار ماندن مرزها و حدود، لازم و مطلوب است.

3- در سخنی از امام صادق (ع) آمده است که ایشان به نقل از رسول خدا می آورند که:

« ای گروهی که به زبان اسلام آورده و مسلمان شده اید اما به دل مسلمان نشده اید و ایمان به دلتان نرسیده است، مسلمانان را نکوهش نکنید و از عیوب آنها جستجو نکنید؛ زیرا هر که از عیوب آنها جستجو کند خداوند عیوب او را دنبال کند و هر که خداوند عیبش را دنبال کند رسوایش کند گرچه در خانه اش باشد» (الکلبینی: ج 4 / 58)

بر اساس این روایت مؤمن جوینده عیوب و عورات مسلمانان نیست و هر که در جستجوی یافتن عیوب مسلمانان باشد با شخص طرف نیست بلکه با خدا طرف است و هر که با خدا طرف شود قطعاً مغلوب می شود، هر که باشد و در هر جا که باشد.

4- باز در سخنی از امام صادق (ع) آمده است که:

« عورت مؤمن بر مؤمن حرام است از ایشان پرسیدند آیا مرادتان آلات جنسی مؤمن است؟ حضرت پاسخ می دهد نه؛ مرادم انتشار اسرار اوست (همان: 62).

و در روایت دیگری حضرت «عورت» را اینگونه معرفی می کند:

« به ضرر او داستانی بگوئی یا او را غیبت کنی (و نسبت عیب به او دهی) (همان: ص 63) از این دو روایت بر می آید جستجو از اسرار مردم نه تنها نقض حریم خصوصی افراد است بلکه نقض حقوق معنوی انسانهاست حقوقی که چه بسا قابل اصلاح و جبران نباشد.

5- در راستای مضامین روایات فوق، در سخنی از حضرت عیسی (ع) نیز آمده است که:

« چه گویی از کسی که برادر خویش را خفته بیند، جامه عورت وی باز کند تا برهنه بماند؟ گفتند یا رسول الله: که روا دارد که این کند؟ گفت شما که آن عیب برادر خود بدانید، آشکار کنید و بگوئید تا دیگران بدانند» (غزالی، 1379: 376/1)

در این روایت نیز تجسس و غیبت را در ضمن یک تشبیه مورد نکوهش قرار داده است و بیانگر این نکته است که همانگونه که شخص خفته ناهوشیار است و اگر جامه از او بر گرفته شود و عریان شود نمی داند تا از خود دفاع

کند و مانع این عمل شنیع و قبیح شود، کسی که در غیاب کسی پرده از عیوب و اسرار او بر می دارد اوج عجز و ناتوانی خود را نشان داده است، چه اینکه آنکه در مظان تهمت یا غیبت است از این افشا و اشاعه عیب بی خبر است و قدرت دفاع ندارد از همین روست که در روایات آمده است «غیبت نهایت تلاش یک انسان در مانده و عاجز است».

5- منقول است که:

عمر بعس (شبگرد) می گشتی آواز سرود شنید، بر بام بر شد چون فرو شد مردی را دید و زنی با وی و خمر دید گفت: یا دشمن خدای تعالی! پنداشتی که خدای تعالی چنین معصیتی بر تو ببوشد، گفت یا امیرالمؤمنین شتاب مکن که اگر من یک معصیت کردم تو سه معصیت کردی:

1- خدای تعالی می گوید «ولا تجسسوا» و تو تجسس کردی؛

2- و گفته است «وأتوا البیوت من ابوابها» و تو از بام در آمدی؛

3- و گفت «لا تدخلوا بیوتنا غیر بیوتکم حتی تستانسوا» و تو بی دستور آمدی و سلام نکردی؛ عمر گفت: اگر عفو کنم توبه

کنی؟ گفت کنم اگر عفو کنی هرگز به سر این گناه باز نشوم پس وی عفو کرد و وی توبه کرد» (همان: 390/1)

بر اساس این نقل هیچ کس حق ندارد بدون اذن به حریم و حوزه خصوصی مردم وارد شود هر چند خلیفه وقت باشد چه اینکه حریم خصوصی پوشش و لباس حفظ اسرار و رازها و عورات و عیوب مردم است و حق مومن بر مومن پوشیده داشتن عیوب و اسرار اوست و انسان مومن حقیقتاً به دنبال آگاه شدن و افشاء و انتشار اسرار و ضمایر مردم نیست بلکه این عمل را عملی شنیع و منافقانه می داند چه اینکه در خبر است که:

«مومن همه عذر جوید و منافق همه عیب جوید» (همان/ 376)

انسانها در حریم و حوزه خصوصی و خانوادگی خود آزادند و خود سرشت و سرنوشت خویش را رقم و قلم می زنند و بر آن حاکم و مسلطند.

قلمرو اصل امر به معروف و نهی از منکر جایی است که ظواهر دینی هتک شود یا در حال هتک شدن باشد و با استعانت از آن اصل باید جلوی چنین هتک را گرفت. پایبندی یا عدم پایبندی به معروف و منکر در حریم خصوصی به وجدان آدمیان مربوط است که بین خود و خدای خود باید پاسخگو باشند و هر گونه تجسس و تفتیش از احوال و افکار شخصیه مردم و افشا و اشاعه آنها گناه است و مجازات دنیوی و اخروی دارد از این رو ممنوع و حرام است.

بر اساس آنچه گذشت نتیجه می گیریم:

1- مومن حق ندارد در مقام اطلاع از اسرار خصوصی مردم بر آید. (حجرات/ 12)

2- اگر به طریقی از اسرار مردم آگاه شد حق افشا و انتشار آنها را ندارد (نور/ 19)

4- حریم خصوصی در اندیشه بشری:

در اینجا با مراجعه به سه متن که از دستاوردهای اندیشه و میوه تأمل بشر است به اختصار جایگاه حریم خصوصی را در این حوزه بر می کاویم:

الف) حریم خصوصی در اعلامیه جهانی حقوق بشر:

در ماده دوازدهم متن اعلامیه جهانی حقوق بشر می خوانیم که:

« احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد».

و باز در ماده 13 بند یک آمده است: «هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند» (دانش پژوه: 287)

در این دو قسمت به حفظ حرمت حریم خصوصی، برخی مصادیق آن، حقوق خصوصی افراد و نیز حمایت قانون از انسانها در صورت مورد تعرض قرار گرفتن اشاره شده است.

ب) حریم خصوصی در متن اعلامیه حقوق بشر اسلامی:

در این اعلامیه نیز ضمن اشاره به مواردی از حقوق خصوصی افراد مانند حق علم آموزی، حق حیات، عدم بردگی، حق انتخاب شغل و مسکن، حق مالکیت، حق سود بردن هر کس از دستاوردهای علمی و ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود، بر حق برخورداری از یک زندگی پاک، حق استفاده از امکانات بهداشتی و درمانی انگشت گذاشته و در ماده هجدهم در سه بند آمده است که:

- 1- هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش در آسودگی زندگی کند.
 - 2- هر انسانی حق دارد که در امور خصوصی خود (مسکن - خانواده - مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش نمودن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.
 - 3- مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنین آن را آواره نمود. (همان: 296)
- در بند اول به حقوق خصوصی و در دو بند بعدی ضمن تأکید بر حفظ حرمت حریم خصوصی، به برخی از مصادیق و حوزه های این حریم اشاره شده است. نقض چنین حریمی جایز نیست مگر با مجوز مشروع و قانونی.

ج) حریم خصوصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

در فصل سوم قانون اساسی به حریم و حقوق خصوصی با صراحت اشاره شده است، البته میان حریم و حقوق خصوصی تفاوت هست اجمالاً اینکه برخی از آنچه به حریم خصوصی مربوط است داخل در قلمرو حقوق خصوصی است اما آنچه داخل در قلمرو حقوق خصوصی است محدود به موارد و مصادیق حریم خصوصی نمی شود و انسان در حوزه عمومی نیز از حقوقی خصوصی و قابل دفاع برخوردار است در ادامه این نوشتار به مرز حریم و حقوق بیشتر اشاره خواهد شد.

در هر صورت در اصل بیست و دوم از قانون اساسی آمده است:

«حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند»

تمام موارد نام برده به نوعی داخل در قلمرو حقوق خصوصی افراد است یا در اصل بیست و سوم می خوانیم:

« تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد»

یا در اصل بیست و پنجم در زمینه حریم خصوصی در حوزه اطلاعاتی و ارتباطاتی افراد آمده است.

«بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای... تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و ترساندن

آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.»

در اصول دیگری از قانون اساسی به حقوق دیگری اشاره شده است مانند داشتن مسکن متناسب با نیاز، انتخاب محل اقامت، حق تحصیل علم، داشتن شغل مناسب و... همانگونه که می بینیم نوعی همسویی در باب حریم خصوصی میان متون دینی با دستاوردهای اندیشه بشری مشاهده می شود و حفظ این حریم و حقوق از ناحیه دین و عقل به رسمیت شناخته شده است که هر گونه مداخله ای یا ورودی به این حریم به عهده قانون است یا نیازمند مجوز قانونی و شرعی است و با نبود مجوز، هیچ کس حق هتک و نقض حریم و حقوق انسانها را در جامعه ندارد.

5) حوزه های حریم خصوصی:

با توجه به آنچه تاکنون بیان گردید می توان حوزه های زیر را به عنوان قلمرو حریم خصوصی معرفی نمود:

5-1) حریم اطلاعاتی و عقیدتی: یکی از حقوق اولیه افراد این است که داده های اطلاعاتی ایشان محرمانه بماند و از هر گونه تحصیل و پردازش یا افشای آنها جلوگیری به عمل آید داده هایی مانند اطلاعات مالی و اقتصادی، حقوقی، پزشکی، دولتی، مذهبی و...

5-2) حریم جسمانی: یعنی حق اشخاص در مورد حمایت واقع شدن و مصونیت از مورد تعرض بودن در مقابل آزمایشهایی نظیر آزمایشهای ژنتیکی، دارویی و نظایر آنها.

5-3) حریم ارتباطات: حق اشخاص در امنیت و محرمانه ماندن محتوای کلیه اشکال و صور مراسلاتی و مخابراتی که متعلق به ایشان است نظیر پست الکترونیک، تلفن، پست تلگرافها، فکسها و...

5-4) حریم مکانی: حق اولیه افراد در مصون ماندن از تعرض در حریم خانه و خانواده و عدم مداخله ورود غیر قانونی به این حریم و عدم هتک حریم شغلی افراد.

5-5) حریم معنوی: حریمی است که انسان به واقع جوینده شادکامی و بهروزی و سعادت خود است، حریم خودشناسی است، حریم شناخت حدود، استعدادها، امکانات و توانایی های خویشتن است، در این حریم است که انسان با تجدید نظر در برخی افکار و حالات و اخلاقیات و رفتارهای خود، تصویر و تصورش را نسبت به خودش دگرگون می سازد؛ در این حریم است که انسان از رهگذر تأمل اصل و فرعها، زندگی در نظرش به شکلی دیگر جلوه می کند. اگر چه به صراحت در متن قوانین به حریم معنوی اشاره نشده است اما به نظر می رسد یکی از حوزه های حریم خصوصی حریم معنوی و روحانی افراد است. اگر در حریم خصوصی ظاهری سخن از عیوب و عورات است که نباید افشا شود سخن از آنست که ترک معروف و عمل به منکر در این حوزه تا مادامیکه به حریم عمومی سرایت نکند قابل پیگیری و جلوگیری نیست. اگر در حوزه حریم خصوصی ظاهری گاه چه بسا نوعی غفلت و معصیت و خود گریزی وجود داشته باشد اما در حریم خصوصی معنوی سخن از خودیابی و خود کاوی است. سخن از خروج از حجاب عادت و غفلت است، حریمی است که هر چه شکوفاتر و سرزنده تر باشد سلامتی سایر حریمها را نیز در پی دارد و حتی این سلامت به حریم عمومی نیز سریان و جریان می یابد. بعد فردی در حریم معنوی بیش از هر حریم دیگری نمودارتر و پررنگ تر است. هر چه بستر امن این حریم به صورت آگاهانه و مختارانه و عمیق و درون جوش بیشتر فراهم شود از میزان نقض و هتک سایر حریم و حقوقها کاسته می شود. بسیاری از اصطکاکها در حریم و حوزه عمومی با افراد زائیده و ناشی از آنست که افراد در حوزه حریم معنوی، خود را نیافته اند خود واقعی خویش را نجسته اند انسانی که در خلوت سبز و عارفانه خویش، خود را یافته است چوب حراج به خود جسمی، جنسی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، فکری، واقعی خود نمی زند. آری حریم معنوی خصوصی همان حریمی است که انسان در آن به سراغ خصم درون می رود، خصمی که اژدهاست و درون را به دوزخ مبدل می کند و نیاز به یک پیکار درونی به طور جدی دارد.

6- تهدید حریم خصوصی در عصر حاضر:

به اعتقاد «مارک روتن برگ»^۲ منشأ تهدید علیه حریم خصوصی را باید در سه عامل زیر جستجو نمود:

1-6) فن آوری: تجاوز به حریم خصوصی افراد با رشد فن آوری به ویژه در بخش الکترونیک شکل وحشتناکی به خود گرفته است. در دنیای دیجیتال چشم و گوش الکترونیک همه جا حضور دارد. به یک معنا چیزی به نام حریم خصوصی به معنای واقعی وجود ندارد. مفهوم مرز جغرافیایی فیزیکی اگر نگوئیم. بی معنا شده است؛ باید گفت بسیار کم رنگ شده است. اما برخی دیگر معتقدند: «مدافعان زندگی خصوصی نتوانسته اند مواردی را ارائه دهند که حاکی از نقض حریم خصوصی بوده و بیانگر صدمات جدی آن برای عموم باشد، از اینرو خطرات محتمل را مطرح نموده اند. نظیر به حاکمیت رسیدن نظام دیکتاتوری و در اختیار گرفتن بانک اطلاعات افراد که پی آمدهای فجیعی

می تواند به بار آورد (اسلامی، 1386: 328) اما در هر صورت اینترنت به عنوان یکی از جلوه های برجسته و بارز فناوری رسانه ای ایده آل با سه ویژگی است: قابلیت تعامل، سرعت عمل، نامحدود بودن فضا.

این رسانه ارتباطی مهم و مؤثر، گاه از سوی اشخاص سودجو به گونه ای مورد استفاده قرار می گیرد که خود به بزرگترین ناقض حریم خصوصی افراد تبدیل شده است.

یا سیستم پیامک: که هم وسیله اطلاع رسانی است و هم شکل دهنده به افکار عمومی است اما این وسیله گاه در مسیر شایعه سازی های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... به کار می رود و می تواند حیثیت افراد از طریق آن به بازی گرفته شود و مورد تهدید قرار گیرد.

یا بلوتوث: به عنوان سیستمی که به مردم امکان می دهد فایل های موسیقی، عکس، فیلم و... را مستقیماً با یکدیگر مبادله کنند، پدیده ای غیرقابل کنترل است و انسان های رشد نیافته و غیراخلاقی از راه انتشار بلوتوث های مخرب می توانند امنیت اجتماعی را تخریب نمایند و بهداشت روانی را تهدید کنند.

گرفتن تصویر بدون اطلاع فرد با تلفن همراه در حوزه خصوصی و تهدید به انتشار این تصاویر و باجگیری از طریق آن و گاه انتشار این تصاویر در حوزه عمومی، انتشار تصاویر مربوط به جشن های خصوصی نظیر جشن عقد، جشن دانشجوئی، جشن تولد و... انتشار تصاویر مستهجن در فضای اینترنت، انتشار عکس و فیلم از استخرهای خصوصی و اتاق های پرو نمونه هایی از سوء استفاده از فن آوری در حوزه حریم خصوصی است و البته همه به سوء استفاده انسان های غیر اخلاقی یا ضد اخلاقی از فن آوری بر می گردد. چه اینکه متعلق حسن و قبح فعل آدمیان است نه اشیاء و وسایل. مظاهر فن آوری وسیله و ابزارند. در کنار موارد فوق می توان به موارد زیر نیز، به عنوان نمونه هایی از سوء استفاده از فن آوری اشاره نمود:

نوسازی شخصیت با برق، خلق شخصیت های تازه از طریق جراحی مغز، رام کردن بچه های سرکش در مدارس دولتی به طرق شیمیایی، قرص های بهره هوشی، پاک کردن حافظه و سد کردن راه آموزش³ و استفاده از آزمایش های دروغ سنج و داروهای اعتراف زا و نیز توسل به انگشت نگاری و آزمایش DNA از افراد با رضایت یا بدون رضایت آنها و... (اسلامی، 329) همه از مواردی است که می توانند امکان و زمینه ورود به حوزه زندگی خصوصی افراد و خانواده ها را فراهم کند.

موارد فوق بخشی از ناقضها و تهدیدگر های حریم خصوصی است که احساس ناامنی را به حوزه عمومی نیز تسری داده است. فن آوری از طریق عادی سازی روابطش با ما، چنان همه گیر شده است که مجالی برای گریز شهروندان از شکار شدن حریم خصوصی ایشان باقی نگذاشته است.

2-6) حکومتها و دولتها: دولتها نیز می توانند از طریق برنامه هایی که خودشان تعیین می کنند از ناقضین حریم خصوصی افراد باشند مواردی مانند:

³ - www . tebyan . net
www . Kateb - hazara . net
www . medeianws . ir

تعیین اجباری هویت، آزمایش مواد مخدر، تجسس بدنی شخص، جستجو در خانه، حفظ و پردازش مشخصات افراد در پایگاه داده ها، انجام آزمایشهای ژنتیک و دروغ سنج، فراهم کردن زمینه برای خود افشایی افراد. البته از اجرای برخی از موارد فوق گریز و گزیری نیست و آنچه قانون است برای همه است.

3-6) بخش خصوصی: بخشهای خصوصی که در جامعه فعالند و مشغول به فعالیتهای گوناگون هستند خصوصاً فعالیت اقتصادی گاه به عوامل تهدید کننده حریم خصوصی مبدل می شود و از راههایی مانند شنود مکالمات تلفنی کارمندان، نظارت و ویدیوئی و... به حوزه حریم خصوصی افراد و خانواده ها دست درازی می کنند. امروزه سازمانها بیش از پیش، اطلاعات شخصی را ثبت و پردازش کامپیوتری می کنند. این عمل ممکن است بدون اطلاع و رضایت افراد باشد. پیشرفت های فن آوری رایانه ای، رشد پایگاههای اطلاعاتی را در پی داشته است. این پایگاهها می توانند اطلاعات شخصی و دیگر اطلاعات حساس اعم از متن، تصویر و صدا را در قالبهای متعددی حفظ کنند. با آمدن کامپیوترها انواع اطلاعات جمع آوری شده و میزان و سرعت و مقیاس تبدیل آنها، متحول گردیده است. امکان نقض حریم مردم با هزینه کمتر و تفوق بیشتر بر آنها مستمراً در حال افزایش است (اسلامی و دیگران، 1386: 397-398).

هر چه وجدان دینی و اخلاقی انسانها ضعیف شود، نشر و شیوع نقض حریم خصوصی بیشتر صورت می گیرد زیرا عمل شنیع و قبیح همیشه از یک روح ضعیف و وجدان غافل سر می زند و جدانی که امام هادی (ع) با جمله زیرما را از گرفتار شدن بدان برخوردار می دارند.

« من هانت علیه نفسه فلا تأمن شربه » (حرانی: تحف العقول)

انسانی که شخصیت و هنر آلود پیدا کند و سقوط اخلاقی نماید شروری از او سر می زند که برای در امان ماندن از این شرور باید از ارتباط با چنین انسانهایی پرهیز نمود، هر چه بر آگاهی افراد و هوشیاری آنها افزوده شود و وجدانها و فطرتهای خفته بیدار گردد و انسانها بیشتر از حریم حقوقی و قانونی یکدیگر آگاه شوند شاید بیشتر حریم یکدیگر را پاس بدارند و حداقل در صورتی که نقض حریم می کنند بدانند گناه است زیرا گاه اتفاق می افتد که انسانها از سر جهل یا عادی شدن روابط، نقض حریم می کنند از این رو احساس گناه نمی کنند تا همین احساس تا حدودی مانع تکرار شود.

7- تعریف حریم خصوصی و عمومی:

الف) حریم خصوصی: با توجه به آنچه تاکنون بیان شد می توان حریم خصوصی را با مولفه ها و معیارهای زیر بهتر شناخت:

1) خود کنترلی: حریمی که فرد در حوزه آن دارای اختیار و کنترل کامل بر امور خود بوده و در عمل آزاد، مستقل و برخوردار از قوه تصمیم گیری است. از این رو برخورداری از حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی، شرط لازم برای به عهده گرفتن تنظیم حیات خویش است.

2) غیر علنی: حریمی که در آن شخص واجد ابعاد و احوال و اوضاع و اوصافی است که حالتی سری و محرمانه و غیر علنی داشته و ورود به این حریم برای اغیار ممنوع است و هر گونه ورودی باید یا با اذن صاحب حریم صورت گیرد یا با مجوز شرعی و قانونی و با حفظ حدود می تواند این ورود صورت گیرد.

3) دور از دسترس: حریمی که از هر گونه دستبرد و دسترسی و آگاهی و نگاه و نظارت و دخالت و مزاحمت و تجسس دیگران، مصون و محفوظ است.

4) عرصه ظهور خود واقعی انسان: حریمی که در آن شخص می تواند آنگونه که خود می خواهد در آن ظاهر شود مطیع یا عاصی اگرچه با تمام این اوصاف، به این نکته نیز باید اذعان نمود که انسان مومن سعی می کند همیشه و همه جا و در همه احوال، تمام ابعاد زندگی خود را آزادانه و آگاهانه با ضوابط شرعی و اخلاقی و الهی وفق دهد و کسب رضای الهی را بر جلب رضای نفس و خلق ترجیح دهد و خود را در هیچ حوزه و حریمی از قلمرو نظارت و حاکمیت الهی بدور نماند و انجام معصیت را در همه احوال و شرایط مغایر با ایمان واقعی و حیات پاک بداند و این فرموده حضرت علی (ع) را همیشه مد نظر داشته باشد که:

« اتقوا معاصی الله فی الخلوات فان الشاهد هو الحاکم » (نهج، کلمات قصار: 324)

در جای دیگر نیز گوشزد می کند که:

« من تتبع خفیات العیوب حرمه الله سبحانه مودات القلوب » (غررالحکم)

یعنی هر کس عیوب نهان مردم را پی گیری کند خداوند وی را از دوستی دلها محروم می سازد و این دوستی را بر او حرام می کند.

پس همانگونه که قبلاً بیان شد انسان در حوزه حریم معنوی می تواند خود آگاه شود و خود آگاهی زمینه خدا آگاهی شود و قطعاً انسان خدا آگاه در خلوت و جلوت راه و نگاه خود را به خفت و ذلت معصیت آلوده نمی کند. ب) حریم عمومی: حریم عمومی در ادامه و طول حریم خصوصی است؛ حریمی است که تدبیر و کنترل آن بدست فرد یا گروه خاصی نیست، امر غیر علنی و سری در آن مطرح نیست، قابل دسترسی برای همگان است و شخص در این عرصه به گونه ای ظاهر می شود که منطبق با فرهنگ حاکم بر جامعه، قانون، شرع، ارزشها و هنجارهای اجتماعی و عرف باشد.

اگر این انطباق صورت نپذیرد چه بسا فرد با مشکلاتی مواجه شود. در این حوزه و حریم است که اصل امر به معروف و نهی از منکر امکان تجلی و ظهور می یابد؛ این اصل با چند و چون باورها و ارزشها و رفتارهایی که از فرد ظاهر می شود ربط و پیوند پیدا می کند.

اگر بخواهیم در اینجا فرق فارق میان حریمی خصوصی و عمومی ذکر کنیم می توانیم از موضوع لباس استفاده کنیم. لباس خود نماد مرزبندی میان حریم خصوصی و عمومی است و این نماد در لباس زنانه به مراتب نمودار تر است. اگر بتوان از طریق پوشاک رسمی به فعال و پویاشدن محیط کار و تحصیل کمک کرد می توان نوع لباس را یکی از شاخصه های رشد محسوب نمود. در تفکر دینی نیز توجه به طرز لباس پوشیدن نه تنها محیط اجتماع و

تحصیل را سالمتر و پاکتر می کند بلکه فرد را از حریم زندگی خصوصی اش خارج و او را حقیقتاً وارد حریم عمومی می کند و بالاتر از این خود لباس می تواند منشا تفکرات فرهنگی بسیاری در جامعه باشد. لباس مرد و زن مسلمان به ویژه زن مسلمان لباس شغل نیست، بلکه لباس وظیفه ای است که همزمان دو ارزش را به محیط القاء می کند:

الف) سلامت محیط فعالیت: محیط فعالیت، محیطی است کاملاً رسمی که هر کس با سرمایه تفکر و علم و مهارت و تجربه در آن به فعالیت می پردازد و با حفظ ضوابط مربوط به یک حریم عمومی خود را از هر گونه نگاه جسمانی و جنسیتی حفظ می کند و از این رهگذر است که بستر و زمینه نگاههای پاک و انسانی و سالم فراهم می شود و محیط کار و تحصیل سالم می ماند.

ب) اشاعه ارزشهای معنوی: زنان با لباس خود تفکر و تعقل را در محیط حاکم می کنند، بی آنکه از اعتقادات و باورهایشان کلامی بر زبان جاری سازند ارزشهای فرهنگی و معنوی را اشاعه می دهند؛ از همین روست که اشخاص در حوزه عمومی محدودیت هایی در لباس و رفتار جنسی و برخی اعمال اجتماعی دارند که البته این محدودیت ها در فرهنگ ها و جوامع مختلف متفاوت است. پس اینکه گاه برخی در حریم عمومی با محدودیت های موجهی مواجه

می شود ناشی از این است که گاه آنها به هر دلیلی حدود و ثغور این حریم را پاس نمی دارند و غالباً آنچه را که به حوزه حریم خصوصی ایشان مربوط است به حوزه عمومی می کشانند و برای خود و جامعه تبعات و مشکلاتی را به ارمغان می آورند. انسانی که از حریم خصوصی پای در حوزه و حریم عمومی می گذارد باید بدانند لوازم و اقتضائات حوزه عمومی متفاوت با حریم خصوصی است. اگر چه در حریم عمومی، حقوق خصوصی وجود دارد و می توان آنها را دنبال نمود.

8- تفاوت حریم خصوصی با حقوق خصوصی:

آنکه به حریم عمومی پای می نهد می تواند از حقوق خصوصی خود سخن بگوید، دفاع کند، آن را طلب کند اما در این حوزه نمی تواند همچنان با هم رنگ و لعاب مربوط به حریم خصوصی به سر ببرد از این رو باید میان حریم و حقوق خصوصی فرق نهاد. حقوق خصوصی هم به حریم خصوصی مربوط است هم به حریم عمومی. مصادیق حریم خصوصی قبلاً بیان شد اما حقوق خصوصی یعنی فرد در امر تجارت و خرید و فروش و ازدواج و تنظیم ارتباطات اجتماعی مشمول قواعد و بهره مند از قوانینی است که دولت متکفل دفاع از آنهاست چه اینکه حقوق خصوصی یعنی مجموعه قواعد حاکم بر روابط افراد (دانش پژوه، 1383: 226) به بیان دیگر «هر گاه هدف و

غایت قواعد حاکم بر افراد تنظیم روابط خصوصی آنها باشد مانند قواعد مربوط به بیع و اجاره و رهن، تجارت و ازدواج و نظایر آن این رشته را حقوق خصوصی می گویند» (همان)

حقوق خصوصی با حقوق طبیعی در هم تنیده است و برخی اندیشمندان مسلمان حقوق طبیعی را همان حقوق فطری در مقابل حقوق وضعی دانسته اند و حقوق فطری یعنی آن بخش از حقوق انسان که به سبب انسان بودن آنها را دارا است و این حق را خالق در آغاز تولد برای او قرار داده است، نظیر حق حیات، حق آزادی و... (جوادی آملی، 1384: 240)

از این رو هر انسانی به دلیل انسان بودن از حق زندگی، حق آزادی، حق دین ورزی، حق مسکن، حق انتخاب همسر و حق تشکیل خانواده، حق علم آموزی، حق انتخاب شغل مناسب، حق مصونیت حیثیت و... برخوردار است همچنانکه در روایات آمده است: «کل المسلم علی المسلم حرام دمه و ماله و عرضه» (همان: 289)

اگر مرز حریم خصوصی و عمومی و نیز مرز حریم خصوصی و حقوق خصوصی باز شناسی نشود و حریم خصوصی از آنچه هست کوچکتر شود یا حریم عمومی از آنچه هست بزرگتر شود یا بالعکس حریم خصوصی از آنچه باید باشد بزرگتر شود یا حریم عمومی از آنچه باید باشد کوچکتر شود و توازن و تعادل به هم بخورد این نقض و پس و پیش شدن حدود و ثغور آسیب های جدی اجتماعی و نا امنی های روانی گوناگونی در پی خواهد داشت. مثلاً کوچکتر شدن حریم خصوصی از آنچه باید باشد چه بسا منجر به خود کم بینی شود و خود کم بینی باعث ظهور عقده حقارت و سرانجام احساس بی مقداری و زبونی گردد یعنی شکل گیری نوعی تصویر تفریطی از خود و بالعکس بزرگتر شدن حریم خصوصی از آنچه باید باشد باعث بوجود آمدن خود برتر بینی در افراد و شکل گیری نوعی تصویر افراطی از خود می شود و در هر دو صورت تصویر ذهنی فرد را به خود غیر واقعی، اغراق آمیز و مضحک (خود افراطی) یا وحشتناک و غیر قابل تحمل (خود تفریطی) سوق می دهد از این رو آئینه ذهنی ما همواره به نظارت و کنترل و مقیاس و معیار خارجی نیازمند است که هر گاه دچار اختلال شود به یکباره سلامت و سرنوشت و نشاط ما بدست و پنجه قهار آن اسیر نگردد و تصور نادرست ما از توانایی ها و احساسات ما، حاکم بر اعمال و رفتار ما نسبت به خود و دیگران نشود (صاحب الزمانی: 85) البته نکته دیگری که در اینجا باید بدان سخت توجه نمود این است که، زندگی خصوصی خوب است اما از خوبی مطلق برخوردار نیست و باید خوبی آن را با خوبی های دیگر مقایسه کرد؛ مثلاً بچه ای که بر بازوی او آثار سوختگی ناشی از آتش سیگار نمایان است و در عکس برداری از بدن وی نیز آثار شکستگی متعدد استخوانهای وی دیده می شود از والدین این بچه سوالهای بسیاری که مربوط به حریم خصوصی آنان است پرسیده می شود، آیا این کار نقض حریم خصوصی افراد است، آیا شما دوست ندارید بدانید فردی که می خواهد مر اقبه از فرزند شما را به عهده گیرد پیش از این محکوم به کودک آزاری بوده است یا نه؟ بنابراین می توان گفت رفتارهای ما بر این دلالت دارند که ارزشهای دیگری بر ارزش زندگی خصوصی تقدم دارند البته این به معنای احترام نگذاشتن به زندگی خصوصی نیست بلکه به این معناست که موقعیت زندگی خصوصی را باید در کنار سایر ارزشها به درستی تشخیص دهیم (اسلامی: 327-326).

9- جمع بندی و نتیجه گیری از بحث:

- 1) معروف و منکر به حریم خصوصی و عمومی مربوط است به معروف و نهی از منکر ویژه حریم عمومی است.
- 2) تا حوزه حریم خصوصی و عمومی و معیارهای هر کدام به نحو دقیق و شفاف تبیین نگردد تشخیص مصادیق مشکل است؛ در نتیجه اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر در حریم عمومی نیز با ابهام و اشکال مواجه می گردد؛ زیرا در امر به معروف و نهی از منکر بدنبال آنیم که نوعی همگرایی و همبودی و سازگاری میان حریم عمومی و خصوصی ایجاد کنیم یا از این سازگاری پرده بر گیریم.
- 3) در فرهنگ اسلامی غالباً هر جا از حریم خصوصی سخنی در میان است محور حریم خصوصی خانواده است اما در حقوق و قوانین بشری غالباً سخن از حریم خصوصی فرد است آن خانواده محور است و این فرد محور و گاه فرد گرا از این رو در فرهنگ اسلامی حریم عمومی در طول حریم خصوصی خانواده است.
- 4) اگر چه ممکن است حریم خصوصی خانواده ها با توجه به تفاوت فرهنگها و ارزشهای حاکم و . . یکسان نباشد اما نقض حریم خانواده (صرفنظر از سعه و ضیق حریم خصوصی و تفاوت در این حوزه) به هر شکل و تحت هر عنوانی ممنوع است و چنین نقضی در واقع نقض حریم انسانی است.
- 5) حریم عمومی در طول و امتداد حریم خصوصی است؛ از این رو ملاک حقانیت یا عدم حقانیت حریم عمومی در همگرایی و سازگاری با حریم خصوصی است چه اینکه حریم خصوصی هم بر حریم عمومی اثر گذار است (اثری چالشی یا همگرایانه) هم از آن می تواند اثر بپذیرد (تهدیدی یا تثبیتی).
- 6) برخورداری از حریم خصوصی به لحاظ وجودی حق طبیعی و فطری هر کس است و حریم عمومی برپایه این حق بوجود می آید.
- 7) انسان هنگامی که از حریم خصوصی خود به حوزه عمومی پای می نهد باید به هنجارها و قوانین حاکم بر این حوزه تن در دهد از این رو لازم و طبیعی به نظر می رسد که محدودیت هایی را در بعد رفتار، لباس، ارتباط و اعمال اجتماعی بپذیرد و هر یک از حریم عمومی و خصوصی تابع قواعد خاص خود است. همانگونه که ورود به حوزه خصوصی بدون مجوز و استیذان ممنوع است تسری دادن امور خصوصی به دایره عمومی نیز به هر سبک و سیاقی که باشد مطرود و مردود است از همین روست که فرد نمی تواند از همان آزادی هایی که در حریم خصوصی برخوردار است در حریم عمومی نیز بهره مند باشد و همانگونه که بیان شد آزادی در این حوزه تابع قوانین و مقررات خود است.
- 8) عواملی مانند دین، دولت، حکومت، فن آوری، عوامل فرهنگی - سیاسی - اقتصادی و بخشهای خصوصی در تعیین و تفکیک دامنه و قلمرو حریم خصوصی و عمومی موثرند.
- 9) هر چه وجدان دینی انسانها ضعیف تر شود حوزه خصوصی کوچکتر و حوزه عمومی بزرگتر می شود و چه بسا حریم خصوصی از مفاد و معنای واقعی خود تهی گردد و نوعی ناامنی روانی و اجتماعی حاکم شود همچنانکه

امروزه با حضور چشم و گوش الکترونیک و وجود رسانه های دیجیتالی و نوین شاهد چنین نا امنی هستیم و حریم خصوصی نه تنها رنگ باخته بلکه مفهوم مرزهای جغرافیایی و فیزیکی هم کم رنگ شده است. (10) اگر خواهان آن هستیم که حدود و ثغور حریم خصوصی و عمومی بیش از پیش پاس داشته شود باید به جد حوزه حریم معنوی احیاء گردد و انسانها خود واقعی خود را در یابند اگر انسانها خود واقعی خود را در یابند خود معنوی حیات مجدد می یابد و در پرتو آن خود اخلاقی انسانها از خفتگی بدر می آید و آمدن مجدد وجدان و خود اخلاقی به عرصه زندگی باعث می شود که خود به خود بسیاری از این حریمها و حرمتها پاس داشته شود. اگر چه همچنان لازم است قلمرو و حوزه حریم خصوصی و عمومی و معیارها و مصداقهای این دو بیش از پیش معرفی و تبیین گردد.

فهرست منابع و مآخذ:

- 1- قرآن کریم.
- 2- نهج البلاغه.
- 3- غرر الحکم و درالکلم.
- 4- اسلامی، محمد تقی و دیگران، اخلاق کاربردی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1386 ش.
- 5- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، مرکز نشر اسراء، قم، 1384.
- 6- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، انتشارات اسلامی، تهران، 1366.
- 7- دانش پژوه، محمد تقی: فلسفه حقوق، موسسه علمی پژوهشی امام خمینی، قم 1383.
- 8- صاحب الزمانی، ناصر الدین، آنسوی چهره ها، انتشارات زریاب، تهران، 1378.
- 9- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 8، ترجمه محمد باقر همدانی، نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، تهران، 1366.
- 10- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 7، ترجمه محمد باقر همدانی، نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، تهران، 1366.
- 11- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 18، ترجمه محمد باقر همدانی، نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، تهران، 1366.
- 12- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 15، ترجمه محمد باقر همدانی، نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، تهران، 1366.
- 13- غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، انتشارات گنجینه، تهران، 1379.
- 14- کلینی، شیخ یعقوب، اصول الکافی، انتشارات اسلامی، تهران، بی تا.

15- www. tebyan. net.

16- www. Kateb – hazara. net.

17- www. medeianws. ir.

همایش ملی شهروند مسئول